

بررسی مجهول در زبان فارسی بر پایه رده‌شناسی زبان

مهرزاد منصوری (دانشگاه شیراز)

چکیده: تحلیل رده‌شناختی از یک ساخت نشان می‌دهد که زبان مورد مطالعه دارای چه ویژگی‌هایی از لحاظ دارا بودن آن ساخت خاص، در مقایسه با سایر زبان‌هاست. یکی از موارد جالب توجه در زبان‌ها نحوه بیان مجهول است. در تحلیلی که کینان (KEENAN 1985) ارائه داده‌است زبان‌ها در بیان مجهول از دو الگوی کلی مجهول بی‌نشان و مرکب¹ برخوردارند. مجهول بی‌نشان غالباً از یک فعل کمکی بهره می‌گیرد. در برخی از زبان‌ها، مجهول بی‌نشان به صورت ساختوازی است که به صورت وند به فعل افزوده می‌شود. علاوه بر مجهول بی‌نشان، برخی از زبان‌ها دارای صورت‌های دیگری از بیان مجهول‌اند.

این پژوهش نشان می‌دهد که مجهول بی‌نشان در زبان فارسی امروز با فعل کمکی شدن شکل می‌گیرد، ولی در عین حال، شیوه‌های دیگری در بیان مجهول وجود دارد که جالب توجه است. این پژوهش همچنین نشان می‌دهد زبان فارسی امروز، برخلاف فارسی باستان و میانه، فاقد مجهول ساختوازی است.

کلیدواژه‌ها: ساخت مجهول، رده‌شناسی زبان، زبان فارسی، گذرائی.

۱. مقدمه

مطالعه و مقایسه ساختارهای صرفی و نحوی در زبان‌های متفاوت، به منظور یافتن جهانی‌های زبانی، همواره مورد علاقه بسیاری از زبان‌شناسان بوده است. امروزه این مطالعات شاخه‌ای از زبان‌شناسی را با عنوان رده‌شناسی زبان به خود اختصاص داده است. رده‌شناسی بر این اساس عبارت است از طبقه‌بندی زبان‌ها و یا اجزای زبانی، بر اساس ویژگی‌های صوری مشترک (Whaley 1997: 7). رده‌شناسی تنها ابزاری در جهت تقسیم‌بندی زبان‌ها و همچنین تعیین الگوهای کلی در زبان‌ها نیست، بلکه خود روشی در شناخت ماهیت زبان نیز به شمار می‌رود.

در زبان فارسی و گویش‌های ایرانی اگرچه عمر مطالعات رده‌شناختی زبان به سه دهه بیشتر نمی‌رسد، تاکنون تحقیقات نسبتاً زیادی در این خصوص در حوزه‌های متفاوت صورت گرفته است که از آن جمله می‌توان به ثمره (۱۳۷۱)، البرزی ورکی (۱۳۸۱)، گلفام (۱۳۷۹)، دین‌محمدی (۱۳۸۲)، منصور (۱۳۸۳)، گلفام و بهرامی خورشید (۱۳۸۴)، دبیرمقدم و شریفی (۱۳۸۴)، کلباسی و قنادی (۱۳۸۶) و منشی‌زاده (۱۳۸۶) اشاره کرد.

یکی از ساخت‌هایی که در رده‌شناسی زبان مورد توجه ویژه زبان‌شناسان قرار گرفته، ساخت مجهول است. این ساخت به دلیل اینکه با جنبه‌های مختلف نحو و حتی صرف ارتباط دارد از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. بررسی اینکه ساخت مجهول در هر زبان از لحاظ مطالعات رده‌شناختی چه وضعیتی پیدا می‌کند، جالب توجه است. مطالعه ساخت مجهول در فارسی که مورد نظر این پژوهش است از منظر رده‌شناسی زبان می‌تواند تصویری دقیق‌تر از ویژگی‌های این زبان به دست دهد. در این پژوهش، ساخت مجهول در زبان فارسی و ساختارهایی که جایگزین مجهول می‌شوند واکاوی خواهد شد تا وضعیت مجهول در این زبان، در قالب یکی از تقسیم‌بندی‌هایی که در مطالعات رده‌شناختی از ساخت مجهول شده است، مشخص شود. در این پژوهش، ضمن بررسی هم‌زمانی ساخت مورد نظر، پیشینه این ساخت در تطوّر زبان فارسی مورد بررسی قرار خواهد گرفت.

۲. پیشینه تحقیق

ساخت مجهول در زبان فارسی مورد توجه دستورنویسان سنتی قرار گرفته است که از آن جمله می‌توان به ناتل خانلری (۱۳۷۰)، شریعت (۱۳۷۹)، وحیدیان کامیار و عمرانی (۱۳۸۱) اشاره کرد. از منظر زبان‌شناسی نوین، در هر سه نحله صورت‌گرایی، نقش‌گرایی و شناخت به این مهم پرداخته شده است که از آن جمله می‌توان به معین (1974: MOYNE)، حاجتی (1977: Hajati)، دبیرمقدم (۱۳۶۴)، پاکروان (۱۳۸۱) و گلغام و همکاران (۱۳۸۵) اشاره کرد.

شریعت (۱۳۷۹) ساخت مجهول (با فعل کمکی شدن) را رابطهٔ مسند و مسندالیه فرض کرده که آنچه در جایگاه فاعل در جملهٔ مجهول قرار می‌گیرد مسندالیه است. وی همچنین به این مهم اشاره می‌کند که در گذشته به جای شدن از آمدن و افتادن استفاده می‌شده است، مانند شعر زیر که در آن گفته آید به منظور بیان مجهول به کار گرفته شده است.

خوش‌تر آن باشد که سز دلبران گفته آید در حدیث دیگران

باطنی (۱۳۶۴: [۱۳۴۸]: ۱۲۷) ساخت مجهول را در زبان فارسی در قالب نظریهٔ مقوله و میزان هالییدی (Halliday 1961) مورد تحلیل قرار داده است. باطنی تنها فعل شدن را به عنوان عنصر سازندهٔ مجهول معرفی کرده است. وی همچنین یادآوری کرده که این فعل تمام اشکال یک فعل واژگانی را داراست و به عنوان سازه‌ای در گروه فعلی به کار می‌رود. وی به منظور تمایز فعل شدن، به عنوان عنصر سازندهٔ مجهول، از فعل شدن به عنوان فعل واژگانی، به ترتیب مثال‌های (۱) و (۲) را ارائه کرده است.

۱- الف: دیده شد

ب: کشته شود

ج: پروده می‌شود

۲- الف: دلخور شد

ب: گرفتار می‌شود

ج: سرخ شد

معین (1974: MOYNE) ظاهراً اولین زبان‌شناس ایرانی است که تحلیلی در قالب

زبان‌شناسی زایشی از ساخت مجهول فارسی ارائه داده است. وی ادعا کرده که در فارسی ساخت مجهول وجود ندارد و آنچه به اصطلاح مجهول نامیده می‌شود، ساخت ناگذراست. وی ادعا کرده است که اگرچه ساخت مجهول در فارسی باستان و میانه وجود داشته، در فارسی نو از بین رفته است.

دبیرمقدم (۱۳۶۴) نشان داده است که در زبان فارسی، علاوه بر ساخت ناگذرا، ساخت مجهول نیز وجود دارد. وی که در قالب نظریه زایشی - گشتاری به تحلیل ساخت مجهول پرداخته، نشان داده است که گشتار مجهول بر آن دسته از جملات معلومی عمل می‌کند که دارای مفهوم ارادی باشند. وی به منظور تمایز ساخت ناگذر از مجهول، آزمون به کارگیری قید خودبه‌خود را پیشنهاد می‌کند؛ به این معنا که در جملاتی که مانند «پنجره خودبه‌خود باز شد» دستوری هستند، ناگذرا و در جملاتی که مانند «* متهم خودبه‌خود به دادگاه آورده شد» غیر دستوری است، مجهول است.

پاکروان (۱۳۸۱) ساخت مجهول را در زبان فارسی در قالب زبان‌شناسی نقش‌گرا مورد تحلیل قرار داده است. از نظر وی در زبان فارسی، برخلاف انگلیسی که نقش مجهول تنزل فاعل و حذف آن است، تنها حذف فاعل عامل شکل‌گیری مجهول است.

جباری (۱۳۸۲) اذعان کرده است که در فارسی مجهول [با فعل کمکی شدن] در صورتی به کار می‌رود که به هر دلیل کنشگر حضور نداشته باشد. به تعبیر وی به کار بردن واژه مجهول در پیشینه زبان فارسی به این معناست که از نظر دستورنویسان سنتی، وجود این ساختار با معلوم بودن کنشگر مانع‌الجمع است. وی همچنین به مواردی مانند موارد (ب) در مثال (۳) و (۴) اشاره می‌کند که به وضوح گویشور زبان فارسی کاربرد مجهول با فعل کمکی شدن را بر نمی‌تابد.

۳- الف: می‌روی خرید مواظب باش جیب‌ت نزنند.

۴- ب: می‌روی خرید مواظب باش جیب‌ت زده نشود.

۴- الف: مواظب باش کلاه سرت نگذارند.

۴- ب: مواظب باش کلاه سرت گذاشته نشود.

جباری (۱۳۸۲) با مقایسه مجهول در فارسی و انگلیسی، با ارائه مثال ذیل به نکته‌هایی اشاره کرده که جالب توجه است. یکی از این موارد مقایسه دو زبان در مواردی مانند

مثال‌های (۵) و (۶) است.

5- a: The book was given to him.

b: He was given the book.

در مقابل جملات فوق، در فارسی جمله (۶-ب) غیردستوری است.

۶-الف: کتاب به او داده شد.

ب: * او کتاب داده شد.

صحرايي و كاظمي نهاد (۱۳۸۵) با تحليل تفاوت جملات مجهول (۷ الف و ب) استدلال کرده‌اند که جملاتی نظیر (۷-الف) نوعی از مجهول‌اند که دارای ویژگی‌های خاص خود هستند. آنها از این نوع مجهول به عنوان مجهول غیرشخصی نام برده‌اند. یکی از ویژگی‌های این نوع افعال این است که فعل چنین مجهولی همیشه مفرد است. ویژگی دیگر چنین مجهولی این است که می‌توان به جای شدن، از یک فعل با مفهوم کنادی (۷-ج) استفاده کرد. همچنین ویژگی سومی که به آن اشاره شده این است که در چنین ساختی تأکید روی جزء غیرفعلی است.

۷-الف: از میهمانان پذیرایی شد.

ب: میهمانان پذیرایی شدند.

ج: از میهمانان پذیرایی به عمل آمد.

۳. تحلیل رده‌شناختی از ساخت مجهول در زبان‌ها

در قالبی که کینان (KEENAN 1985) از رده‌شناسی مجهول ارائه می‌دهد، زبان‌ها از لحاظ دارا بودن نوع مجهول دارای مشخصه‌هایی هستند که در این بخش به معرفی آنها می‌پردازیم. وی ساخت مجهول در زبان‌ها را به دو دسته کلی مجهول اصلی (بی‌نشان) و مجهول پیچیده (یا مرکب) تقسیم می‌کند. وی ادعا می‌کند که اگر زبانی حداقل ساخت مجهول را داشته باشد، آن ساخت مجهول از نوع مجهول اصلی است. در قالب تحلیل وی، مجهول بی‌نشان دارای دو ویژگی است:

۱. فاقد عبارت کنادی است؛

۲. فعل معلوم، متناظر با ساخت مجهول فعل متعدی و کنشی (یعنی دارای فاعل

کنشگر و مفعول پذیرا) است.

وی ضمن اذعان به اینکه برخی از زبان‌ها فاقد ساخت مجهول‌اند، سه قاعده زیر را برای مجهول بی‌نشان ارائه داده‌است:

۱. در صورتی که در زبانی مجهول با عبارت کنادی وجود داشته‌باشد، مجهول بدون عبارت کنادی نیز وجود دارد.

۲. در صورتی که در زبانی مجهول با فعل ایستایی^۲ وجود داشته‌باشد، مجهول با فعل کنشی نیز وجود دارد.

۳. در صورتی که در زبانی مجهول با فعل لازم وجود داشته‌باشد، مجهول با فعل متعدی نیز وجود دارد.

البته در اینجا لازم است این نکته نیز یادآوری شود که کرسول و اسنیدر (CRESWELL and SNYDER 2000) نشان داده‌اند که قاعده اول در زبان همنگ^۳ با اشکال مواجه است؛ چراکه عبارت کنادی در این زبان در ساخت مجهول اجباری است و با حذف عبارت کنادی از جمله مجهول در این زبان، ساخت حاصل مجهول نخواهد ماند، بلکه ساخت حاصل دارای ابهام است.

ازلحاظ ساخت نحوی نیز مجهول اصلی دارای ویژگی‌های قابل تشخیص است. فعل مجهول اصلی، از لحاظ فعل کمکی، دارای فعل کمکی، یا فاقد فعل کمکی و به صورت ساختوازی است. در مجهول ساختوازی جزئی به صورت پیشوند، پسوند و یا میانوند به فعل اضافه می‌شود. در مجهول با فعل کمکی، فعل کمکی - که بسته به زبان دارای مفاهیمی چون حرکت، دریافت، رسیدن و جز اینهاست - با فعل همراه می‌شود.

یکی دیگر از موارد قابل ذکر در خصوص ساختار مجهول در زبان‌های متفاوت، نحوه نمایش عبارت کنادی است.

ساخت مجهول بی‌نشان، علاوه بر ویژگی‌های نحوی، دارای ویژگی‌های معنایی نیز هست. به عنوان مثال «گره موش را کشت» با «موش کشته شد» دارای رابطه شمول معنایی است. همچنین، از لحاظ صدق و کذب منطقی، جمله مجهول فوق در صورتی صادق است که در جهان خارج چیزی یا کسی موش را کشته‌باشد. نکته دیگری که کینان

2. stative verb

3. Hmong

(KEENAN 1985) در خصوص ساخت مجهول مطرح کرده این است که زبان‌هایی که دارای مجهول بی‌نشان باشند عموماً دارای مجهول با ساختارهای دیگر نیز هستند. علاوه بر مجهول بی‌نشان، نوع دیگری از مجهول که در زبان‌ها وجود دارد مجهول مرکب یا غیراصلی است. این طبقه از مجهول‌ها را می‌توان به چهار دسته مجهول افعال غیرمتعدی، مجهول درون‌گروه فعلی دارای فعل مرکب متعدی، مجهول افعال دومفعولی و مجهول با فاعل غیرپذیرا تقسیم نمود. در بخش بعد در تحلیل مجهول فارسی به این انواع اشاره خواهد شد.

۴. تحلیل مجهول در زبان فارسی

۴-۱ بررسی پیشینه تاریخی مجهول در زبان فارسی

اگرچه تحلیل رده‌شناختی، تحلیلی هم‌زمانی به حساب می‌آید، نگاهی در زمانی به پدیده مجهول در زبان فارسی می‌تواند در تحلیل هم‌زمانی آن مؤثر باشد، خصوصاً اینکه با بررسی پیشینه یک ساخت بهتر می‌توان روند تحول آن را پیگیری نمود و راز برخی از پیچیدگی‌های آن را آشکار ساخت. به همین منظور، در این بخش با مروری بر پیشینه تاریخی ساخت مجهول در زبان فارسی سیر تکاملی آن معرفی شده است.

همان‌طور که یوسفی (۱۳۷۵: ۱۴۶)، نجفی (۱۳۷۵: ۱۴۲)، و وحیدیان کامیار (۱۳۷۱) گفته‌اند، کاربرد مجهول در گذشته زبان فارسی نسبت به کاربرد امروز آن بسیار کمتر بوده است. یوسفی شواهد بسیاری را از متون تفسیری قرون گذشته ارائه کرده است که نشان می‌دهد مترجمان جملات مجهول عربی را نیز در فارسی به صورت معلوم ترجمه کرده‌اند. اگرچه در گذشته کاربرد مجهول کمتر بوده، این ساخت در همه ادوار گذشته وجود داشته است.

بر اساس کنت (KENT 1953: 88) مجهول در فارسی باستان به دو صورت شکل می‌گیرد: یکی ساختوازی از ترکیب پسوند -ya، که همواره در معنای مجهول است و دیگری از ترکیب اسم مفعول همراه با فعلِ بودن یا بدون آن. مجهول در فارسی میانه غربی نیز با اضافه شدن -ih درست می‌شده است، مانند xwân-ih: خوانده شدن. جایگاه نشانه مجهول میان ماده مضارع و شناسه بوده است (ابوالقاسمی ۱۳۷۵: ۱۶۳).

دبیرمقدم (۱۳۶۴) معتقد است ساخت مجهول از اسم مفعول و فعل کمکی شدن در فارسی باستان و میانه وجود نداشته، بلکه در فارسی کلاسیک نوین (فارسی دری) بر اثر تغییر نقش شدن از فعل حرکتی لازم به فعل کمکی به وجود آمده است. در فارسی دری نیز کاربرد مجهول رایج بوده است. صدیقیان (۱۳۸۳: ۸۸) کاربرد فعل را به شیوه مجهول از ویژگی های نحوی قرن پنجم و ششم هجری می داند. وی دلایل چندی را برای کاربرد این شیوه برمی شمرد که از آن جمله می توان به پرهیز از کاربرد فعل به صورت اول شخص و دوم شخص و همچنین رساندن پیام کلی و غیرشخصی اشاره کرد.

یکی از موارد جالب توجه در پیشینه مجهول در زبان فارسی، کاربرد فعل لازم به صورت مجهول است که صدیقیان (همان جا: ۸۹ و ۹۰) مواردی از آن را ذکر کرده است، مانند:

— ما از هرات قصد بلخ داریم تا این زمستان آنجا مقام کرده آید.

— خلق بدان گور رفته شدند همه خاک گور وی ببردند.

ناتل خانلری (۱۳۷۰: ۳۸۰-۳۸۱) نیز نمونه هایی را به دست داده که نشان می دهد در فارسی دری فعل لازم نیز مجهول شده است، مانند:

— تا آن گاه که هریک از ایشان مرده شود (نسفی ۲۸۰).

به کارگیری عبارت کنادی در جملات مجهول در زبان فارسی نیز به طور کلی مرسوم نبوده و اساساً مجهول زمانی به کار می رفته است که فاعلی در جمله وجود نداشته، ولی با وجود این، شواهدی در دست است که نشان می دهد در پیشینه این زبان عبارت کنادی به کار گرفته شده است، مانند عبارت به دست در شعر زیر:

چنینم نوشته بد اختر به سر که من کشته گردم به دست پدر

(فردوسی)

از جمله تفاوت های مجهول در گذشته و در فارسی امروز این است که جزء فعلی کردن در مجهول فعل مرکبی که جزء فعلی آن کردن باشد، حذف نمی شده است (ناتل خانلری ۱۳۶۹: ۲۷۹)، مانند:

— این حکایت به چندین کتاب یاد کرده آمد (سیستان ۱۱، نقل از همان).

– چون با حال سائرالناس قیاس کرده شود (نفسه ۱۱۰، نقل از همان).

از لحاظ کاربرد فعل کمکی در ساخت مجهول در فارسی دری چند فعل به کار می‌رفته است. این افعال عبارت‌اند از: شدن، آمدن، گشتن و رفتن (ناتل خانلری ۱۳۶۹: ۳۷۵).

– به عاقبت پس دو سه حرب سخت اسفندیار کشته آمد (بلعمی ۶۶۸).

– این چند فصل بر سبیل اختصار نوشته شد (سیاست ۱۰).

– تا زبان خلق بر وی بسته گردد (قابوس ۱۹۹).

– اگر سلطان سوری به تو باز نخوردی بهین چیزها از تو فوت رفته بودی (اسرار ۳۵۱).

در مجهول‌سازی این دوره، در برخی از آثار، مکرر نهاد فعل مجهول با حرف را آمده است (ناتل خانلری ۱۳۶۹: ۳۸۱)، مانند:

– فرمان نیست که هیچ‌کس را از کسان وی باز داشته شوند (بیهقی ۸-۹).

– او روزی تو نیست و لکن شکم تو را از زندان او کرده شد (مجید ۱: ۶۷۸).

– ایشان را عذاب کرده شود روز خندق (مجید ۲: ۳۶۹).

۲-۴ مجهول در فارسی امروز

مجهول اصلی یا بی‌نشان، رایج‌ترین شکل مجهول در زبان فارسی، با ساختن اسم مفعول از فعل واژگانی و فعل کمکی شدن که در زمان‌ها و وجه‌های مختلف صرف می‌شود شکل می‌گیرد (۸-ب). به ضرورت سبک و سیاق متن می‌توان از گردیدن به جای شدن نیز استفاده کرد.

۸- الف: باغبان درخت را کاشت.

ب: درخت کاشته شد.

وحیدیان کامیار (۱۳۷۱: ۶۷) ادعا کرده است که ترکیب صفت مفعولی و فعل شدن همواره ساخت مجهول نمی‌سازد. وی جمله «پنجره بسته شد» را مجهول نمی‌داند، بلکه بسته مسند و شد فعل اسنادی شمرده شده است. وی دو آزمون را برای تمایز چنین ساخت‌هایی بر شمرده است: یکی آزمون نفی است مبنی بر اینکه نمی‌توان نشانه نفی را به این ساخت اضافه کرد (* بسته شد) و دیگری افزودن نشانه تفضیل است که نشان می‌دهد صفت است. اگرچه چنین ساختی به ترکیبی اسنادی می‌ماند، دلیلی ندارد که از فعل بستن مانند (مثال ۹) مجهول ساخته نشود. بنابراین، چنین ساخت‌هایی را نمی‌توان مجهول ندانست.

۹- الف: حمید در را بست.

ب: در بسته شد.

افعال ایستایی در زبان فارسی، مانند داشتن و همچنین شکل مرکب آن مانند دوست داشتن، شکل مجهول ندارند (مثال‌های ۱۰ و ۱۱). دلیل آن را می‌توان این‌گونه عنوان کرد که جملات معلوم دارای فاعل کنشگر و مفعول کنش‌پذیر مجهول می‌شوند، ولی در این جملات، فاعل و مفعول از چنین نقش‌های تنائیی ای برخوردار نیستند.

۱۰- الف: علی خانه بزرگی دارد.

ب: * خانه بزرگی (توسط علی) داشته شد.

۱۱- الف: مجید در کودکی خیلی پدرش را دوست داشت.

ب: * پدرش خیلی دوست داشته شد.

بخش مهمی از افعال فارسی افعال مرکب هستند. ساختار مجهول در افعال مرکب تا حدودی با افعال ساده متفاوت است که در این قسمت به آن می‌پردازیم. فعل کردن در ساخت مجهول افعال مرکبی که با جزء فعلی کردن درست می‌شوند، حذف می‌شود و تنها فعل کمکی شدن بعد از جزء غیر فعلی به کار می‌رود (مثال‌های ۱۲ و ۱۳).

۱۲- الف: علی خانه را خراب کرد.

ب: خانه خراب؟ کرده/ شد.

۱۳- الف: علی حسن را به میهمانی دعوت کرد.

ب: حسن به میهمانی دعوت؟ کرده/ شد.

آنچه فرشیدورد (۱۳۷۸: ۲۶۳) از آن با عنوان مجهول با اسم مفعول کوتاه برای افعالی چون دریافت شدن و پرداخت شدن نام برده و استدلال کرده است در چنین افعالی «ه» از اسم مفعول حذف شده است و به عنوان مثال پرداخته شدن به پرداخت شدن تبدیل شده است، در قالب فوق قابل توجیه است؛ به این صورت که شکل معلوم چنین فعلی پرداخت کردن است که در مجهول، کرده حذف می‌شود.

فارسی‌زبانان ترجیح می‌دهند برای مجهول کردن برخی از افعال مرکب، به جای استفاده از فعل کمکی و ساخت مجهول (مثال ۱۴- ب) از سازوکاری دیگر استفاده کنند (مثال ۱۴- ج).

۱۴- الف: رئیس‌جمهور از تأسیسات نفتی خارک بازدید کرد.

ب: از تأسیسات نفتی خارک بازدید شد.

ج: تأسیسات نفتی خارک مورد بازدید قرار گرفت.

نحوه دیگری از بیان مجهول، جایگزینی فعل واژگانی (و بدون استفاده از فعل کمکی) است. این موارد از لحاظ ساخت، مجهول نیستند ولی از لحاظ نقش، نقش مجهول را ایفا می‌کنند.

۱۵- الف: رستم اسفندیار را شکست داد. (متعدی)

ب: اسفندیار شکست خورد. (لازم)

برخی از این افعال در نمونه‌های (۱۶) ارائه شده است.

آتش زدن	آتش گرفتن
گول زدن	گول خوردن
کتک زدن	کتک خوردن
فریب دادن	فریب خوردن
اختصاص دادن	اختصاص یافتن
پرورش دادن	پرورش یافتن
به حساب آوردن	به حساب آمدن
به عمل آوردن	به عمل آمدن
به کار بردن	به کار رفتن
بر باد دادن	بر باد رفتن
تحت درمان قرار دادن	تحت درمان قرار گرفتن
به معرض نمایش درآوردن	به معرض نمایش درآمدن

گروه دیگری از افعال هستند که از ترکیب مورد + ... فعل مرکب درست می‌شوند که این افعال نیز به صورت واژگانی و با تغییر جزء فعلی کاهش ظرفیت می‌یابند. چنین ساختی نیز از لحاظ نقش، نقش مجهول را ایفا می‌کند، مانند مثال (۱۷):

۱۷- الف: نمایندگان اقلیت دولت را مورد انتقاد قرار دادند.

ب: دولت مورد انتقاد قرار گرفت.

از این دسته افعال می‌توان به موارد ذیل اشاره کرد:

۱۸. مورد استهزاء قرار دادن مورد استهزاء قرار گرفتن

مورد تکریم قرار گرفتن	مورد تکریم قرار دادن
مورد تحسین قرار گرفتن	مورد تحسین قرار دادن
مورد سرزنش قرار گرفتن	مورد سرزنش قرار دادن

افعالی را که شکل سببی آن با آن است می‌توان با استفاده از فعل کمکی، مجهول کرد. در کنار آن، ساخت غیر سببی و لازم آن نیز به کار می‌رود که فاعل آن کنش‌پذیر است، مانند (۱۹-ج).

۱۹- الف: پستچی نامه را رساند.

ب: نامه رسانده شد.

ج: نامه رسید.

شکل دیگری از مجهول که لازم است در این قسمت به آن پرداخته شود مجهول غیر شخصی است که صحرایی و کاظمی (۱۳۸۵) در مثال (۷) به آن اشاره کرده‌اند. عنوان غیر شخصی که برای این نوع مجهول انتخاب شده مناسب به نظر می‌رسد؛ چرا که با تغییر شخص و شمار تغییری در مطابقت فعل به وجود نمی‌آید (۲۰).

۲۰- الف: از رئیس‌جمهور برای بازدید از کارخانه دعوت شد.

ب: از آنها برای بازدید از کارخانه دعوت شد.

ج: از من برای بازدید از کارخانه دعوت شد.

از جمله این افعال می‌توان به مثال‌های (۲۱) اشاره کرد.

۲۱. ثبت نام کردن

حمایت کردن

بازجویی کردن

محافظة کردن

بازخواست کردن

در خصوص عبارت کنادی در ساخت مجهول زبان فارسی می‌توان ادعا کرد که کاربرد عبارت کنادی در زبان فارسی معمول نیست، اما در مواردی که مجهول‌سازی به دلیل کم‌اهمیت بودن فاعل صورت پذیرفته است نه عدم حضور آن، عبارت کنادی به شکل‌های به دست، توسط و به وسیله، در جملاتی مانند جملات (۲۲، ۲۳ و ۲۴) به کار می‌رود.

۲۲. سردار دلیر جنگ به دست دشمن کشته شد.
۲۳. امروز پیام مهمی توسط سخن‌گوی وزارت خارجه قرائت شد.
۲۴. پیام مهمی به وسیله معاون پارلمانی دولت در مجلس قرائت شد.

۵. نتیجه‌گیری

در این مقاله ساخت مجهول در زبان فارسی با رویکردی رده‌شناختی مورد بررسی قرار گرفت. این پژوهش نشان می‌دهد که زبان فارسی از لحاظ مجهول اصلی یا بی‌نشان، از جمله زبان‌هایی است که از فعل کمکی استفاده می‌کنند. بر همین اساس، این زبان فاقد عنصری ساختوازی (وند) به‌عنوان نشانه مجهول است. این پژوهش همچنین نشان می‌دهد که وجود فعل مرکب در این زبان تنوع زیادی برای بیان مجهول فراهم کرده است.

منابع

- ابوالقاسمی، محسن (۱۳۷۵)، دستور تاریخی زبان فارسی، سمت: تهران؛
البرزی ورکی، پرویز (۱۳۸۱)، «رده‌شناسی ساختوازی»، پژوهش، مجله زبان‌های خارجی دانشگاه تهران، ش ۱۲، ص ۱۸-۳؛
باطنی، محمدرضا (۱۳۶۴ [۱۳۴۸])، توصیف ساختمان دستوری زبان فارسی، امیرکبیر، تهران؛
پاکروان، حسین (۱۳۸۱)، «نگرشی ویژه به نمود مجهول در زبان فارسی»، مجله علوم اجتماعی و انسانی دانشگاه شیراز، ش ۳۵، ص ۵۲-۳۵؛
ثمره، بدالله (۱۳۷۱)، «تحلیلی بر رده‌شناسی زبان فارسی»، مجله زبان‌شناسی، ش ۱۳: ۶۱-۸۰؛
جباری، محمدجعفر (۱۳۸۲)، «تفاوت مجهول در زبان‌های فارسی و انگلیسی»، مجله زبان‌شناسی، ش ۳۵، ص ۹۴-۷۸؛
دبیرمقدم، محمد (۱۳۶۴)، «مجهول در زبان فارسی»، مجله زبان‌شناسی، ش ۳: ۳۱-۶۴؛
دبیرمقدم، محمد و شهلا شریفی (۱۳۸۴)، «بررسی سلسله‌مراتب رده‌شناختی مربوط به حوزه آرایش واژه‌ها در زبان فارسی گفتاری»، مجله دانشکده ادبیات و علوم انسانی مشهد، ش ۱۴۹: ۸۵-۱۱۲؛
دین‌محمدی، غلامرضا (۱۳۸۲)، «رده‌شناسی در چهارچوب نظریه اصول و پارامترها»، مجله دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه تهران، ش ۱۶۵، ص ۱۶۹-۱۸۴؛
شریعت، محمدجواد (۱۳۷۹)، دستور ساده زبان فارسی، اساطیر، تهران؛
صحرائی، رضامراد و رقیه کاظمی‌نهاد (۱۳۸۵)، «تأملی در ساخت مجهول فارسی امروز»، نشریه دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه باهنر کرمان، ش ۲۰، ص ۹۷-۷۷؛
صدیقیان، مهین‌دخت (۱۳۸۳)، ویژگی‌های نحوی زبان فارسی در ثر قرن پنجم و ششم هجری، فرهنگستان زبان

و ادب فارسی، تهران؛

- فرشیدورد، خسرو (۱۳۷۸)، گفتارهایی دربارهٔ دستور زبان فارسی، امیرکبیر، تهران؛
- کلباسی، ایران و رؤیا قنادی (۱۳۸۶)، «ساختمان فعل در گویش جرقویه (ولتی) از دیدگاه رده‌شناسی»، زبان و زبان‌شناسی، ش ۶، ص ۱۰۳-۱۲۴؛
- گلفام، ارسلان (۱۳۷۹)، «شباهت‌ها و تفاوت‌های زبانی: جهانی‌های رده‌شناسی»، مجلهٔ دانشکدهٔ ادبیات و علوم انسانی دانشگاه تهران، ش ۱۵۵: ۱۷۱-۱۹۰؛
- گلفام، ارسلان، رؤیا صدیق ضیاءبری و آریتا جعفری (۱۳۸۵)، «نگاهی به ساخت مجهول در زبان فارسی با تکیه بر دیدگاه شناختی»، مجلهٔ زبان و زبان‌شناسی، ش ۴: ۵۷-۷۶؛
- گلفام، ارسلان و سحر بهرامی خورشید (۱۳۸۴)، «ساخت‌های سببی در زبان فارسی: نگاهی رده‌شناختی»، مجموعهٔ مقالات نخستین همایش انجمن زبان‌شناسی ایران، به کوشش مصطفی عاصی، ص ۱۱۷-۱۳۱؛
- منشی‌زاده، مجتبی (۱۳۸۶)، «نگاهی رده‌شناختی به نحو زبان فارسی میانۀ پهلوی»، نشریهٔ دانشکدهٔ ادبیات و علوم انسانی کرمان، ش ۲۲: ۲۳۵-۲۵۸؛
- منصوری، مهرزاد (۱۳۸۳)، «نفی در زبان فارسی از منظر رده‌شناسی زبان»، مجموعه مقاله‌های ششمین کنفرانس زبان‌شناسی، به کوشش ابراهیم کاظمی، ص ۳۳۹-۳۴۹؛
- نائل خانلری، پرویز (۱۳۶۹)، تاریخ زبان فارسی، ج ۲، نشر نو، تهران؛
- (۱۳۷۰)، دستور زبان فارسی، توس، تهران؛
- نجفی، ابوالحسن (۱۳۷۵)، «گلدان توسط بچه شکسته شد»، برگزیدهٔ مقاله‌های نشر دانش: دربارهٔ زبان فارسی، زیر نظر نصرالله پورجوادی، مرکز نشر دانشگاهی، ص ۱۴۱-۱۴۵، تهران؛
- وحیدیان کامیار، تقی (۱۳۷۱)، «بررسی صفت مفعولی و اهمیت آن در زبان فارسی»، مجلهٔ زبان‌شناسی، ش ۱۸: ۶۱-۶۹؛
- وحیدیان کامیار، تقی و غلامرضا عمرانی (۱۳۸۱)، دستور زبان فارسی، سمت، تهران؛
- یوسفی، غلامحسین (۱۳۷۵)، «فعل معلوم به جای فعل مجهول»، برگزیدهٔ مقاله‌های نشر دانش: دربارهٔ زبان فارسی، زیر نظر نصرالله پورجوادی، مرکز نشر دانشگاهی، ص ۱۴۶-۱۵۸، تهران؛
- CRESWELL, Cassandre and Kieran SNYDER (2000), "Passive and Passive like Constructions in Hmong", *WCCFL 19 Proceedings*, ed. Billerey and Lillehaugen: 71-82, Somerville, MA: Cascadilla Press;
- Hajati, Abdol-Khalil (1977), *Ke-constructions in Persian: Descriptive and Theoretical Aspects*, Unpublished Ph.D. Dissertation, University of Illinois, Urbana;
- KEENAN, Edward L. (1985), "Passives in the World's Languages", In Timothy Shopen, ed. *Language Typology and Syntactic Description: Clause Structure*, Cambridge, Cambridge University Press;
- KENI, Ronald G. (1953), *Old Persian Grammar*, New Haven, Connecticut: American Oriental Society;
- Halliday, M. A. K. (1961), "Categories of the Theory of Grammar", *Word* 17 (3): 24-92;

- Moyné, John (1974), "The So-called Passive in Persian", *Foundations of Language* 12: 249-267;
Whaley, Lindsay J. (1997), *Introduction to Typology: The Unity and Diversity of Language*, Sage
Publication.

□



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

رتال جامع علوم انسانی